

## ● به هم خوردن نامزدی و سرنوشت هدایا از نگاه قانون مدنی

در شماره قبل، ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی را مورد بحث و بررسی قرار دادیم و وضعیت خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی را با عنایت به این که کیفیت برهم زدن وصلت چگونه باشد مشخص کردیم. در این شماره، به بحث درباره ماده ۱۰۳۷ خواهیم پرداخت و وضعیت هدایای نامزدی را در صورت به هم خوردن وصلت روشن خواهیم نمود. ضمن اینکه به نظریات حقوقی ارائه شده توسط برخی حقوقدانان نیز اشاره‌ای خواهیم داشت. اینک ادامه بحث:

### الف - استرداد هدایا:

علاوه بر مخارج و هزینه‌هایی که نامزدها یا بستگان آنها در دوره نامزدی می‌کنند، اغلب هدایایی نیز بوسیله هر یک از طرفین به طرف دیگر یا خویشان او داده می‌شود.

«هدیه»<sup>۱</sup> برحسب تعریفی که علمای حقوق از آن کرده‌اند و نیز برحسب عرف و عادت، و هم از دیدگاه فقه اسلامی، یک نوع «هبه»<sup>۲</sup> است و «هبه»، قراردادی است که به موجب آن، یک نفر مالی را مجاناً به کسی تملیک می‌کند. بنابراین دریافت کننده هدیه مالک آن می‌شود و می‌تواند در آن تصرفات مالکانه نماید. البته هدایایی که در دوره نامزدی داده می‌شود تابع مقررات خاصی است و قواعد «هبه»، درباره آنها اجرا نمی‌شود.<sup>۳</sup>

سؤال این است که در صورت به هم خوردن نامزدی وضعیت این هدایا چیست؟ آیا طرفین می‌توانند چیزهایی را که به یکدیگر داده‌اند از هم مطالبه نمایند؟ آیا کلیه هدایای داده شده قابل مطالبه است یا بعضی از آنها؟ آیا علت به هم خوردن نامزدی و اینکه نامزدی به علت فوت یکی از طرفین به هم خورده یا به علت عدم سازش یکی از طرفین یا هر دو بوده است اثری در حق مطالبه هدایا دارد یا نه؟ و سؤالات دیگری از این قبیل.

پاسخ این سؤالات را در مواد ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ قانون مدنی باید جستجو کرد. ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی درباره استرداد هدایا پس از به هم خوردن نامزدی، چنین مقرر داشته است:

«هریک از نامزدها می‌تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور،

هدایایی را که به طرف دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد، مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود، مگر اینکه آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد» و ماده ۱۰۳۸ می گوید: «مفاد ماده قبل، از حیث رجوع به قیمت در موردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد مجری نخواهد بود.»

**\* ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی:**  
**هریک از نامزدها می تواند در صورت بهم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابویین او داده است، مطالبه کند.**

طبق تصریح این دو ماده، باید بین هدایایی که عین آن موجود است و هدایایی که تلف شده است فرق گذاشت. بدین معنی که اگر عین هدایا موجود باشد، دهنده در صورت بهم خوردن نامزدی، می تواند آنها را مطالبه نماید؛ به این دلیل که می توان گفت: یا به هم خوردن وصلت، در حقیقت علت و جهت هدیه از میان رفته و لذا بجاست که هدیه به دهنده آن بازگردد.

اگر عین هدایا تلف شده باشد دو فرض متصور است: یا هدیه از چیزهایی بوده که عادتاً نگاه داشته می شود مثل ساعت، پارچه، لباس، انگشتر، زیورات و امثالهم و یا هدیه از چیزهایی بوده که عادتاً نگاه داشته نمی شود، یعنی از اشیاء مصرف شدنی بوده است مانند شیرینی، صابون، عطر، ادکلن و امثال اینها. در مورد اول، دهنده هدیه مستحق بهای هدیه خواهد بود اما در مورد دوم، حق مطالبه قیمت را نخواهد داشت!

در مورد اول که دهنده، حق استرداد هدیه را دارد، این حق برای او ثابت است مگر در دو مورد ذیل:

۱- وقتی هدیه بدون تقصیر گیرنده تلف شده باشد؛ در این صورت چون اصل، عدم تقصیر گیرنده است، اثبات تقصیر بر عهده هدیه دهنده است. وانگهی چون گیرنده هدیه، مالک آن محسوب می شود و تصرفات او، مالکانه بوده است اثبات و احراز تقصیر او در اتلاف مال دشوار است. به هر حال، تقصیر شامل تعدی و تفریط است (ماده ۱۵۳ قانون مدنی) و

برای تشخیص آن، باید به عرف رجوع کرد.  
 ۲- موردی که به هم خوردن نامزدی، ناشی از فوت یکی از نامزدها باشد. در این صورت، عین یا قیمت هدایایی که هر یک از نامزدها به طرف دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده است، طبق صراحت ماده ۱۰۳۷، قابل مطالبه است.

سؤال دیگری که در اینجا به نظر می رسد این است: در موردی که دهنده هدیه، حق مطالبه قیمت هدیه را دارد ملاک قیمت، زمان دادن هدیه است یا قیمت زمان مطالبه و یا قیمت زمان بهم خوردن نامزدی؟ و دهنده هدیه، حق مطالبه کدام یک از این سه مورد را دارد؟

یکی از علمای حقوق ایران در پاسخ به این سؤال می گوید: «به نظر می رسد که دهنده هدیه، مستحق قیمت زمان مطالبه است نه بهای زمان دادن هدیه یا به

هم خوردن نامزدی، زیرا در زمان مطالبه است که گیرنده، تکلیف به پس دادن عین یا قیمت هدیه پیدا می کند و قبل از مطالبه، از آنجا که مالک هدیه بوده، مسئولیتی نداشته است. این نظر در صورتی قابل قبول است که هدیه، در صورت به هم خوردن وعده ازدواج، یک نوع هبه قابل فسخ تلقی شود. اما اگر استرداد هدیه را مبنی بر فقدان علت بدانیم باید یگویم که قیمت زمان به هم خوردن نامزدی باید پرداخت شود؛ چه در این زمان است که ذمه گیرنده به دادن قیمت مشغول می شود. البته اگر تلف عین، بعد از این تاریخ باشد قیمت زمان تلف قابل مطالبه خواهد بود.»

نظر اول، با ظاهر ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی بیشتر سازگار است و از کلمه «می تواند» مذکور در بند اول این ماده هم قابل استنباط است.

حال ببینیم هدایایی که یکی از نامزدها، به شخص دیگری غیر از نامزد خود و ابویین او داده است، مثلاً به برادر یا خواهر یا عمویا عمه یا خاله او و یا کسانی از این قبیل داده است نیز قابل استرداد است یا نه؟ چون خصوصیتی در هدیه ای که «به طرف دیگر یا ابویین او» داده شده است نیست، بآنوجه به وحدت ملاک، می توان هدایای اعطایی به اشخاص دیگر را نیز قابل استرداد دانست (هر چند در این خصوص تصریحی در قانون نداریم) لیکن دشوار است که بتوان به اشخاصی که به مناسبت ازدواج، هدایایی به نامزدها داده اند اجازه داد که عین یا قیمت آنها را در صورت به هم خوردن نامزدی مطالبه کنند (مگر در حدودی که هبه در حقوق ایران قابل رجوع است).

سؤال دیگری که مطرح است این است که اگر هدیه، از اشیایی باشد که عادتاً نگاه داشته نمی شود و گیرنده هدیه، بدون علت موجه، نامزدی را به هم زند آیا دهنده هدیه می تواند قیمت آن را مطالبه کند؟

طبق اصول مسلم حقوقی به نظر می رسد که عدم استحقاق قیمت و عدم مسئولیت دریافت کننده مربوط به موردی است که دریافت کننده هدیه، نامزدی را بدون

علت موجه به هم زده باشد و هرگاه نامزدی را بدون علت موجه به هم زده باشد دهنده هدیه می تواند به عنوان خسارت و از باب مسئولیت مدنی یا تسبیب، بهای آن را مطالبه کند.»

### ذیل ماده ۱۰۳۷ و تحلیل بعضی از حقوقدانان

در این قسمت از بحث، نظر بعضی از حقوقدانان را می آوریم تا علاقه مندان می که پی گیر مطالب هستند بتوانند به صورت تطبیقی، نظرات ارائه شده را ملاحظه و یا تعمق و کنکاش بیشتری مواد قانونی را بررسی نمایند: بعضی از فقها و حقوقدانان اسلامی گفته اند: تا لحظه به هم خوردن وصلت، هر چه از هدایا تلف شده است کسی مسئول آن نیست، لکن آنچه باقی مانده است را باید پس بدهند.»

عده ای دیگر گفته اند: «اموالی که قبل از ازدواج از جانب زوج به زوجه آیتده داده می شود به دو صورت است:

الف: اموالی که به این قصد داده می شود تا پس از وقوع نکاح، زوج با خود بیاورد و در منزل شوهر مصرف کند. ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی هم با عبارت، «مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود» این فرض را پیش بینی کرده است.

ب: اموالی که برای مصرف داده می شود. این اموال، اگر مصرف یا تلف شده است خسارت نباید داده، اما اگر مصرف نکرده و بدون حاجت آن را تلف کرده است باید در فرض به هم خوردن وصلت، خسارت آن را بدهد. قانون مدنی، همین نظر را قبول کرده است.

علت این که در مورد اشیاء مصرف کردنی (برای طرف مقابل) در صورت مصرف، خسارت نباید داد این است که دهنده آن اشیاء، آنها را برطرف مقابل خود هبه کرده است و این، اباحه انتفاع بدون عوض است که به طرف، حق تصرف می دهد بدون اینکه مالکیت اباحه کننده سلب شده باشد. درست مانند غذایی که

میزبان جلو میهمان می گذارد که اگر مصرف شد بحثی نیست و اگر مصرف نشد، کماکان ملک میزبان است.<sup>۱۳</sup>

خلاصه استنباط یکی دیگر از حقوقدانان از ذیل ماده ۱۰۳۷ که شیوه‌ای ابتکاری در تحلیل این ماده قانونی است و شقوق مختلفی را مطرح می‌سازد چنین است:

۱- در صورت به هم خوردن نامزدی، هریک از نامزدها می‌توانند عین اموالی را که به عنوان هدیه به طرف مقابل یا ابوی او داده‌اند در صورتی که موجود باشد مسترد نمایند.

۲- چنانچه عین اموال موجود نباشد، در این صورت دو حالت متصور است:

الف: عین، از اموالی است که عادتاً نگهداری نمی‌شود.

ب: عین، از اموالی است که عادتاً نگهداری می‌شود.

در صورت اول، قیمت قابل مطالبه نمی‌باشد و در صورت دوم، دو حالت متصور است:

۱- مال یا نقصر طرف دیگر تلف شده است.

۲- مال بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده است.

در صورت دوم، قیمت قابل مطالبه نیست و در صورت اول، دو حالت متصور است:

الف: برهم خوردن نامزدی، به علت فوت یکی از نامزدها بوده است.

ب: برهم خوردن نامزدی، به علت فوت یکی از نامزدها نبوده است.

در حالت اول، قیمت قابل مطالبه نیست، و در حالت دوم، قیمت قابل مطالبه است.<sup>۱۴</sup>

سه مسأله فراموش شده

آقای دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، با استناد به منابع معتبر فقهی، از ذیل ماده ۱۰۳۷، سه مورد را مطرح نموده که به نظر می‌رسد ذکر آنها در اینجا خالی از فایده نباشد. این سه مسأله عبارتند از:<sup>۱۵</sup>

۱- در بعضی از نقاط رسم است که داماد در ایام

**\* با بهم خوردن وصلت، در حقیقت علت و جهت هدیه از میان رفته است و جا دارد که هدیه به دهنده آن بازگردد.**

**\* بعضی از فقها و حقوقدانان اسلامی معتقدند تا لحظه بهم خوردن وصلت، هر چه از هدایا تلف شده باشد کسی مسئول آن نیست ولی آنچه باقی مانده است باید پس داده شود.**

نامزدی، مقداری ابریشم یا پنبه یا پشم به عروس می‌دهد که برسد. و پس‌ریا دختر، قبل از نکاح فوت می‌کند؛ در این صورت اصل جنس، مال داماد است و آن دختر که به دستور داماد کار کرده است مستحق اجرت‌المثل عمل خود می‌باشد.<sup>۱</sup>

۲- اگر داماد در ایام نامزدی، وجهی به عروس یا ابویین او بدهد که لباس یا جواهر برای عروس بخرند و از این دستور غفلت کنند و پس از نکاح مراتب معلوم شود، داماد حق استرداد آن وجه را دارد.<sup>۲</sup>

۳- اموالی که داماد، قبل از نکاح به عروس می‌دهد و عادتاً نگاهداری می‌شود، آیا با وقوع عقد نکاح به مالکیت زوجه درمی‌آید یا احتیاج به انشاء تعلیک جداگانه دارد؟

انشاء تعلیک جداگانه لازم است و مالکیت زوج، قبل از انشاء تعلیک از وی سلب نمی‌شود.<sup>۳</sup> اما اگر آن اشیاء، از راه استعمال توسط زوجه تلف شود، زوجه مسئول نخواهد بود؛ حتی اگر تلف، ناشی از تقصیر او باشد. مستند این نظر، عرف و عادت مسلم است و نباید طبق عمومیات مسؤلیت مدنی، مقصراً مسئول شمرده. بعضی از فقها هم همین نظر را داده‌اند.<sup>۴</sup> این سه مسأله در قانون مدنی ما ذکر نشده است و جای آنها در مجموعه قانون مدنی خالی است.

#### پس گرفتن عکس

اگر یکی از نامزدها در دوران نامزدی، عکس خود را به نامزد دیگر داده باشد، آیا می‌تواند بعد از سه‌هم خوردن نامزدی آن را مطالبه کند؟

پس‌تردید عکس هم، نوعی هدیه قلمداد می‌شود و مشمول مقررات مربوط به استرداد هدایا است. بنابراین، اگر اصل آن موجود باشد صاحب عکس می‌تواند آن را مطالبه کند و اگر از بین رفته باشد قیمت آن - مشروط به اینکه عکس مزبور عرفاً ارزش مالی داشته و تلف، ناشی از تقصیر دریافت‌کننده باشد - قابل مطالبه است.

#### استرداد نامدها

اگر در دوران نامزدی، نامدهایی بین نامزدها مبادله

**\* عکس، نوعی هدیه قلمداد می‌شود و مشمول مقررات قانونی مربوط به استرداد هدایا است.**

**\* نمی‌توان گفت که نامه نیز جزو هدایا است. از نظر حقوقی دریافت‌کننده نامه، مالک آن است. اما وظیفه اخلاقی اقتضا می‌کند نامه پس از بهم خوردن نامزدی به نویسنده آن بازگردانده شود.**

شده باشد آیا این نامه‌ها، پس از به هم خوردن نامزدی قابل استرداد است؟

مشکل بتوان گفت نامه جزو هدایا است. عرفاً هم نمی‌توان نامه را داخل هدایا بشمار آورد. لذا، مقررات راجع به هدایا هم درباره آن قابل اجرا نیست. از طرف دیگر مطابق عرف، کسی که نامه‌ای دریافت می‌کند مالک آن محسوب می‌شود. بنابراین شخصی که نامه‌ای از نامزد خود دریافت کرده، مالک آن است و از نظر حقوقی، اصولاً نمی‌توان او را مجبور به استرداد نامه کرد؛ اگر چه وظیفه اخلاقی شخص اقتضا می‌کند که آن را به نویسنده بازگرداند. سئوالی در اینجا مطرح است و آن این که:

اگر یکی از نامزدها، از نامه‌هایی که دریافت کرده است سوءاستفاده کند و از این طریق، ضرری به نویسنده نامه وارد آورد، تکلیف چیست؟

پاسخ این است که، طبق قواعد عمومی مسؤلیت مدنی، زبان زننده، مؤول و مکلف به جبران خسارت است. مضافاً به اینکه دادگاه می‌تواند به درخواست خواهان، برای رفع ضرر از او، دریافت کننده را به استرداد نامه یا نابود کردن آن مجبور کند (مستنبط از ماده ۱۰ قانون مسؤلیت مدنی)<sup>۱۵</sup>.

**مرور زمان دعاوی ناشی از به هم خوردن نامزدی**

ماده ۱۰۳۹: «مرور زمان دعاوی ناشی از به هم خوردن وصلت منظوری، دو سال است و تاریخ به هم خوردن آن محسوب می‌شود».

مسأله مرور زمان، از جمله مسائلی است که با مبانی فقهی اسلام مطابقت ندارد<sup>۱۶</sup> و نیاز به بحث گسترده‌ای دارد. مشهور علمای امامیه به استناد نصوص و روایات واصله به این بیان که «الْحَقُّ الْقَدِيمُ لَا يُزِيلُهُ شَيْءٌ» (حق، هر چند قدیم باشد چیزی نمی‌تواند آن را زایل کند)، فتوا داده‌اند که حق دعوی در هیچ موقع، به خاطر مرور زمان ساقط نمی‌گردد. به پیروی از این قول، این ماده از قانون مدنی در اصلاحات سال ۶۱

حذف گردید. توضیح این که، مرور زمان در قوانین شکلی ایران اهمیت فراوان داشته و هنوز هم به‌طور کلی از بین نرفته و بعضاً در مواردی وجود دارد. طبق ماده ۷۳۱ آیین دادرسی مدنی، «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوی شنیده نمی‌شود».

به‌طور کلی، باب یازدهم قانون مذکور که در خصوص «مرور زمان» است از طرف شورای نگهبان مخالف موازین شرع تشخیص داده شد و ابطال گردید. این موضوع، طبق نامه شماره ۷۲۵۷ مورخ ۱۱/۱۱/۶۱ به عنوان شورای عالی قضایی اشعار می‌دارد که «مواد ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی به بعد در مورد مرور زمان، در جلسه فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به نظر اکثریت فقهای شورا، مواد مزبور که مقرر می‌دارد پس از گذشتن مدتی (ده سال، بیست سال، سه سال، یک سال و غیره) دعوی در دادگاه شنیده نمی‌شود، مخالف با موازین شرع تشخیص داده شد». با این حال، مرور زمان در بعضی از قوانین به صورت غیرمستقیم و در قالبهای دیگر، مورد قبول واقع شده است. مثلاً در صورت عدم کشت غیر موجه اراضی بایر برای مدتی معین، دولت زمین را تصاحب خواهد کرد. اخیراً نیز هیأت عمومی دیوان عالی کشور، اجرای مرور زمان را در مورد خصوصی، لازم تلقی کرد! و نیز در ماده ۱۵۹ قانون جدید کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۶۹/۸/۲۶)، «مرور زمان» به صراحت قید شده است. ولی هنوز، مرور زمان به صورت کامل و صریح در قانون آیین دادرسی ایران پذیرفته نشده است.

مع هذا، وجود مرور زمان برای جلوگیری از تجدید خاطرات تلخ به هم خوردن وعده وصلت و فراموش کردن گذشته و جلوگیری از سوء استفاده بعد از سالهای مدید، که زندگی جدیدی را طرفین شروع کرده‌اند مفید به نظر می‌رسد و از جهت شرعی نیز می‌توان روایاتی در زمینه مرور زمان در پاره‌ای موارد یافت. مضافاً براینکه، اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان مسلمان معتقدند

# \* اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان مسلمان معتقدند حذف «مرور زمان» در دعاوی باعث از هم گسیختن نظم و انضباط قضایی خواهد شد.

مصلحت نظام است که باید نسبت به آن، تدبیری منطبق با موازین شرعی اتخاذ نمایند. و با حذف ماده ۱۰۳۹ نمی‌توان در حقوق موضوعه فعلی، فایده به مرور زمان دعاوی مذکور شد.

زیر نویس ها

۱- هدیه عبارت است از «تملیک مالی از طرف کسی که مقام اجتماعی پایین‌تری دارد به دیگری که مقامش بالاتر از اوست به قصد تعظیم و اکرام» (ذکر امامی، حقوق مدنی، ج ۲، ص ۲۷۲).

- به نظر می‌رسد که هدیه، ممکن است به کسی داده شود که از لحاظ اجتماعی، هم سطح و حتی پایین‌تر از هدیه‌دهنده باشد. عرف امروز و قانون مدنی که از «هدایایی که یکی از نامزدها به طرف دیگر با امین او داده» سخن گفته است مؤید این نظر است. به هر حال، از این تعریف و تفریقات دیگری که از هدیه شده برمی‌آید که هدیه، مقتضی تعلیک است.

(ذکر صفایی، حقوق خانواده، ص ۳۶، به نقل از: دکتر موسی عبد، هد و وصیت - چاپ ۱۳۱۲، ص ۶۱).

۲- ر- ک- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی قمی سره الشریف، ج ۲، ص ۵۹-۶۰ و نیز نکاح و انحلال آن، سید مصطفی محقق داماد، ص ۳۹-۴۰، همچنین دکتر سید حسین صفایی، حقوق خانواده، ص ۳۶.

۳ و ۴- منبع اخیر ص ۳۶ و ۳۷.

۵- همان منبع، ص ۳۷.

۶- منبع سابق ص ۳۷، نیز دکتر جعفری لنگرودی- حقوق خانواده، چاپ تهران ۱۳۵۵، ش ۱۳، ص ۱۱.

۷- حقوق خانواده، محمد جعفر جعفری لنگرودی- چاپ تهران ۱۳۶۸، کتابخانه گنج دانش، ص ۱۳-۱۴.

۸- منبع فوق، به نقل از: جامع‌الشنات، ص ۱۵۵.

۹- منبع مذکور، به نقل از: جامع‌الشنات، ص ۱۲۹.

۱۰- منبع یاد شده، به نقل از: شاعر، ص ۶۰۴-۶۱۹.

۱۱- سؤال و جواب سید محمدباقر (نسخه خطی) ص ۱۱۹.

۱۲- جعفری لنگرودی، حقوق خانواده، ص ۵۱، به نقل از: شاعر، ص ۶۰۳ و جامع‌الشنات، ص ۱۶۷.

۱۳- ر- ک- منبع اخیر ص ۱۱ و ۱۲.

۱۴- حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، سید مصطفی محقق داماد، چاپ تهران ۱۳۶۷، ص ۳۹.

۱۵- ر- ک- دکتر صفایی، حقوق خانواده، ص ۳۹.

۱۶- نکاح و انحلال آن - محقق داماد، ص ۴۲.

حذف مرور زمان در دعاوی، باعث از هم گسیختن نظم و انتظام قضایی خواهد شد. زیرا این حذف، روابط حقوقی افراد را تا مدتی دچار تزلزل می‌کند. باعث طرح مجدد و مکرر دعاوی مختومه می‌گردد و در نتیجه، مشکلاتی را برای دستگاه قضایی پدید می‌آورد. گذشته از این، بعضی از حقوق، مثل برخی از خیارات و حق شفعه اگر فوراً مورد استفاده قرار نگیرد در شرع ساقط می‌شود. به نظر می‌رسد، مصلحت نظام، قبول اصل مرور زمان در این مورد و موارد دیگر را ایجاب کند. تشخیص این ضرورت، بر عهده قانونگذار و یا مجمع تشخیص